

## طنز و جناس: بررسی مشکلات زبان‌آموزان ایرانی در فهم لطیفه‌های دارای عنصر جناس

سعیده محققیان (کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول)

[delnazsara@yahoo.com](mailto:delnazsara@yahoo.com)

سعید کتابی (دانشیار آموزش زبان انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

[s.ketabi@yahoo.com](mailto:s.ketabi@yahoo.com)

### چکیده

جناس که به معنای هم‌جنس بودن است به یکسانی دو یا چند واژه در واج‌های سازنده با معانی متفاوت اطلاق می‌شود. علاوه بر ارزش موسیقایی و آهنگینی که جناس به سخن می‌دهد، لطیفه‌های آن می‌تواند یکی از ابزارهای افزایش علاقه‌مندی و یادگیری زبان‌آموزان و همچنین ایجاد فضایی شاد در حین آموزش زبان انگلیسی باشد. برای بهره‌مندی از چنین منافعی، فهم کامل جناس موجود در لطیفه‌ها برای زبان‌آموزان به نظر الزامی می‌رسد. پژوهش‌های کمی، درک زبان‌آموزان را از لطیفه‌های دارای عنصر جناس در کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی ایران بررسی کرده‌اند. از همین رو، پژوهش حاضر با انتخاب یک کلاس شامل ۲۱ دانشجوی سال سوم کارشناسی زبان انگلیسی (دوازده دانشجوی از گرایش مترجمی و نه دانشجوی گرایش ادبیات) و با استفاده از ابزار سنجش، میزان فهم زبان‌آموزان ایرانی را از این لطیفه‌ها بررسی کرد. نتایج نشان داد که زبان‌آموزان ایرانی دانش خوبی از واژه‌های جناس نداشتند و در شناسایی آن‌ها مشکل داشتند. نتایج این پژوهش و راهکارهای ارائه‌شده، لزوم توجه بیشتر به پرداختن به آموزش درک طنز در برنامه‌های درسی را یادآور می‌شود. این امر علاوه بر بالابردن سطح زبانی فراگیران می‌تواند فضای آموزشی را نیز فرح‌بخش‌تر نماید.

**کلیدواژه‌ها:** ترجمه، جناس، دانشجویان کارشناسی زبان انگلیسی، لطیفه

## ۱. مقدمه

جناس که در لغت به معنای هم‌جنس بودن دو چیز است از انواع صنایع بدیع به‌شمار می‌آید که باعث ایجاد زیبایی هم در کلام و هم در معنا می‌شود. جناس که یکی از زیرشاخه‌های لطیفه‌های انگلیسی است (دیبالا، رزپکا، اراکی و سایاما، ۲۰۱۲) به عقیده غضنفری (۱۳۹۰) نوعی طنز فرم‌مدار به‌شمار می‌آید به این معنا که فرم در معنا و تأثیر سخن نقش مثبتی دارد. وی همچنین معتقد است که در خلق جناس، آرایه‌های ادبی و صنایع بدیعی به‌کار رفته است که حاصل آن سخنی دلنشین و مؤثر است که می‌تواند شنونده را وادار به لبخند و یا زهرخند کند. جعفری‌تبار (۱۳۸۹) نیز جناس را استفاده از واژگانی می‌داند که در تلفظ یکسان و در معنا متفاوت هستند. وی جناس را صنعتی نه‌تنها موسیقایی بلکه خوش‌نویسانه بر می‌شمرد.

جناس که به‌عقیده کایرو (۱۹۹۲، به‌نقل از استلتر، ۲۰۱۱) گسترده‌ترین نوع طنز در کشورهای انگلیسی‌زبان است، در تقسیم‌بندی لطیفه‌ها به لطیفه‌های زبانی، فرهنگی و جهانی، گونه‌ای از لطیفه‌های زبانی به‌شمار می‌آید (رافائلسون وست، ۱۹۸۹). به اعتقاد لمز (۲۰۱۳) جناس به‌وفور در زبان انگلیسی یافت می‌شود تا جایی که ناتارینا (۲۰۱۲) معتقد است می‌توان این گونه لطیفه‌ها را به‌راحتی در زندگی روزمره یافت. لاریان (۱۹۹۲) نیز علاوه بر این که تعداد این لطیفه‌ها را زیاد می‌داند بر این باور است که این لطیفه‌ها عنصر طنز خود را از معنای دوگانه برخی از واژه‌ها می‌گیرند.

## ۲. چارچوب نظری و پیشینه

## ۱. جناس چیست؟

سبکویچ (۱۹۹۴، به‌نقل از کریناجاتیسک، ۲۰۰۹) جناس را استفاده عمده از ابهام کلامی می‌داند که برای اهداف طنزآمیز در صحبت به‌کار برده می‌شود. لمز (۲۰۱۳) نیز جناس را نوع خاصی از طنز می‌داند که بر اساس معانی دوگانه کارایی دارد. کرن (۲۰۱۰) و آتاردو (۲۰۰۲) جناس را نوعی بازی با کلمات بر می‌شمرند که هدف آن ایجاد خنده است. محمدی‌سالاری، به‌تاج و معین‌زاده (۲۰۱۴) نیز جناس را نوعی

ابزار بدیعی می‌دانند که قدرت تأثیرگذاری زیاد آن باعث شده در انواع ارتباط‌های زبانی همانند زندگی روزمره و اخبار مورد استفاده قرار بگیرد. کرن (۲۰۱۰) نیز جناس را چاشنی کلام می‌داند که استفادهٔ بجا از آن باعث غنای شرایط می‌شود و استفادهٔ نادرست از آن ناخوشایند خواهد بود.

## ۲.۲. انواع جناس

عدم وجود تقسیم‌بندی واحد یا به عبارتی، وجود تقسیم‌بندی‌های متعدد از جناس حاکی از آن است که تشخیص نوع جناس باید برای پژوهشگران کاری مشکل باشد. شروتز (۲۰۰۵، به نقل از کریناجاتیسک، ۲۰۰۹) جناس را این چنین تقسیم‌بندی می‌کند: دستهٔ اول جناس به عقیدهٔ شروتز (۲۰۰۵) واژه‌های همونیمی<sup>۱</sup> هستند؛ این واژه‌ها تلفظ و شکل نوشتاری یکسانی دارند ولی ارتباط ریشه‌ای آن‌ها مشخص نیست (به نقل از کریناجاتیسک، ۲۰۰۹). دستهٔ دوم پولیسمی<sup>۲</sup> است؛ این واژه‌ها هم تلفظ و شکل نوشتاری یکسانی دارند و هم رابطه‌ای مشخص بین ریشهٔ آن‌ها وجود دارد. شروتز (۲۰۰۵) دستهٔ سوم را هموفونی<sup>۳</sup> می‌خواند که واژگان آن یکسان تلفظ می‌شوند ولی شکل نوشتاری متفاوتی دارند و دستهٔ چهارم هموگرافی<sup>۴</sup> است که واژگان آن شکل نوشتاری یکسانی دارند ولی تلفظ آن‌ها یکسان نیست (به نقل از کریناجاتیسک، ۲۰۰۹). وی پارونیمی<sup>۵</sup> را دستهٔ پنجمی می‌داند. این واژه‌ها تلفظ و شکل نوشتاری مشابه (و نه یکسان) دارند.

لمز (۲۰۱۳) دسته‌بندی دیگری از جناس ارائه می‌دهد و تنها ۴ دسته بر می‌شمرد. دستهٔ اول جناس‌های دارای صدای مشابه<sup>۶</sup> است. لمز معتقد است این جناس‌ها یکسان تلفظ می‌شوند ولی فرم نوشتاری و معنای متفاوتی دارند. Hair/Hare مثال‌هایی از این دسته هستند که لمز به آن اشاره می‌کند. دستهٔ دوم جناس‌های دارای

- 
1. Homonymy
  2. Polysemy
  3. Homophony
  4. Homography
  5. Paronymy
  6. Soundalike puns

شکل مشابه<sup>۱</sup> است. این واژه‌ها تلفظ و املای یکسانی دارند و در معنا نیز با هم در ارتباطند (لمز، ۲۰۱۳). لمز Ruler را مثالی از این دسته می‌داند که هم به معنای خط‌کش و هم به معنای پادشاه است. دسته سوم، جناس‌های دارای تلفظ مشابه<sup>۲</sup> است که با جایگزینی واژه‌ای با واژه دیگر که تلفظ مشابهی دارد پدید می‌آیند. Ex-stink/Extinct مثال‌های یاد شده برای این دسته هستند. دسته آخر، جناس‌های متنی<sup>۳</sup> هستند که در آن صدا یا شکل نوشتاری حروف الفبا، اعداد و یا نمادها به جای واژه‌ای دیگر به کار گرفته می‌شود. برای مثال، واژه Create گاهی Cre8 نوشته می‌شود.

لمز (۲۰۱۳) معتقد است می‌توان جناس را در اصطلاحات نیز یافت. به عقیده وی، فهم جناس‌هایی که در اصطلاحات به کار می‌روند دشوارتر است؛ زیرا نیازمند دانش زبانی، پیش‌زمینه‌ای و فرهنگی بیشتری است. این جناس‌ها که تعداد آن‌ها زیاد است در یکی از چهار نوع ذکر شده قرار می‌گیرند. لمز (۲۰۱۳) سخت‌ترین نوع جناس را سومین دسته می‌داند؛ یعنی جناس‌هایی که دارای تلفظ مشابه هستند. وی معتقد است از آنجایی که این جناس‌ها سریع بیان می‌شوند و نیازمند ایجاد ارتباط بین دو واژه‌ای که به جز آوای مشابه هیچ چیز مشترکی بینشان نیست، مشکل‌اند. توانایی زبانی بالایی برای پردازش این لطیفه‌ها الزامی می‌داند.

دل‌باستیتا (۱۹۹۷، به نقل از آندرزجاک، ۲۰۱۲) تقسیم‌بندی دیگری ارائه می‌دهد: وی جناس‌ها را به دو دسته عمودی<sup>۴</sup> و افقی<sup>۵</sup> تقسیم می‌کند. در جناس‌های عمودی، چندین معنا هم‌زمان با هم بر روی یک محور ارتباطی توسط یک فرم فعال می‌شوند ولی جناس‌های افقی نیازمند چندین فرم مشابه یا یکسان در زنجیره ارتباطی برای فعال‌شدن معانی متفاوت هستند (وانداللا، ۲۰۱۱، به نقل از آندرزجاک، ۲۰۱۲). گامل (۲۰۰۵، به نقل از آندرزجاک، ۲۰۱۲) این تقسیم‌بندی را ساده‌تر بیان می‌کند؛ به عقیده وی، جناس‌های افقی در نگاه اول شناخته می‌شوند ولی جناس‌های عمودی نیاز به

1. Lookalike puns
2. Close-sounding puns
3. Texting puns
4. Vertical puns
5. Horizontal puns

پردازشی دوباره دارند تا برای خواننده یا شنونده آشکار شوند. مارکو (۲۰۱۰) هر کدام از انواع جناس را که در تقسیم‌بندی شروترو به آن اشاره شد، با توجه به عمودی یا افقی بودنشان بررسی می‌کند و برای هر کدام مثالی می‌زند.

در زبان فارسی، جناس به سه دسته تام، غیرتام و مطلق تقسیم‌بندی می‌شود. به‌گفته جعفری‌تبار (۱۳۸۹) اگر دو واژه که در معنا با یکدیگر متفاوتند در شش مورد نوع حروف، تعداد آن‌ها، شکل و هیئت و حرکتشان، نقطه، نگارش و ترتیب حروف مشترک باشند، جناس را تام می‌نامند؛ گور (قبر و گورخر) مثالی از این نوع جناس است که جعفری‌تبار آن را ساده‌ترین نوع جناس می‌خواند. وی جناس غیرتام را جناسی می‌داند که علاوه بر تفاوت در معنا در یکی از شش مورد ذکر شده نیز با یکدیگر متفاوت هستند؛ مهر و مُهر مثالی از این جناس است. آخرین دسته جناس، جناس مطلق نام دارد که به اعتقاد همین پژوهشگر بهترین نوع جناس است و زمانی به‌وجود می‌آید که دو واژه در بیش از یکی از شش مورد ذکر شده با یکدیگر اختلاف دارند؛ مثال یاد شده، شرح و شرحه است.

### ۲.۳. ترجمه‌پذیری جناس

نکته قابل‌بحثی که درباره جناس‌ها وجود دارد ترجمه‌پذیری و یا ترجمه‌ناپذیری آن‌هاست. به‌عقیده محمدی‌سالاری و همکاران (۲۰۱۴) بحث‌های متعددی مبنی بر ترجمه‌پذیری و یا ترجمه‌ناپذیری جناس در بین فعالان ترجمه بوده است. ناتارینا (۲۰۱۲) بیان می‌دارد که در ابتدا فعالان ترجمه جناس را غیر قابل ترجمه می‌دانستند و معتقد بودند که هر زبانی ویژگی‌های خاص خود را دارد. بنابراین ترجمه جناس از زبان انگلیسی به زبانی دیگر که ساختار آوایی یکسانی با این زبان ندارد، مشکل خواهد بود (ناتارینا، ۲۰۱۲)؛ اما در نیومارک (۱۹۸۸، به‌نقل از ناتارینا، ۲۰۱۲) اعلام کرد که می‌توان هر گونه کلامی را به زبان دیگر ترجمه کرد. برخی از پژوهشگران صحت نیومارک را تأیید کرده‌اند زیرا معتقد بودند جناس به پردازش نظام‌مند زبان بستگی دارد و نه تنها به واژه‌ها (ناتارینا، ۲۰۱۲). بنابراین، با در نظر گرفتن تمامی

جنبه‌های زبان مانند موقعیت، فرهنگ و ویژگی‌های زبانی می‌توان جناس‌ها را نیز ترجمه کرد (ناتارینا، ۲۰۱۲).

اگر از دیدگاه ترجمه‌پذیری به موضوع نگاه شود، پژوهشگران لطیفه‌ها را بر اساس ترجمه‌پذیریشان به دسته‌های مختلفی تقسیم کردند که لطیفه‌های جناس در تمامی تقسیم‌بندی‌ها جزو دسته‌ای قرار می‌گیرند که به آسانی ترجمه‌پذیر نیستند. برای مثال، دیویس (۲۰۰۵) جناس را زیرمجموعه‌ی لطیفه‌های مشکل‌دار<sup>۱</sup> می‌داند که مختص یک کشور یا فرهنگ خاص هستند و تنها آن‌ها به خوبی درکشان می‌کنند. لاریان (۱۹۹۲) و اشمیتز (۲۰۰۲) نیز در تقسیم‌بندی خود جناس را از لطیفه‌هایی می‌دانند که بر اساس نظام آواشناسی زبانی خاص به وجود آمده‌اند و ترجمه آن‌ها همیشه جالب نیست. پتاسزینسکی (۲۰۰۴) معتقد است حفظ مفهوم برای ایجاد خنده در لطیفه‌ها بسیار مهم‌اند و اگر مترجم وادار به توضیح عنصر طنز موجود در لطیفه بشود در واقع به مهم‌ترین ویژگی لطیفه که همان عنصر طنز است، لطمه زده است.

#### ۲.۴. پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده

جناس و ترجمه آن توسط پژوهشگران مختلف در ترجمه آثار ادبی و عناوین فیلم‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. برای مثال، کافزوی (۲۰۱۳) به بررسی روش‌های ترجمه جناس‌های موجود در *آلیس در سرزمین عجایب* به زبان آلبانی پرداخته است. کافزوی متوجه شد که مترجمان از چهار روش بازآفرینی جناس در زبان هدف، ترجمه اجزا جناس بدون بازآفرینی آن در زبان هدف، حذف کامل جناس در هنگام ترجمه و انتقال جناس از زبان مبدأ به زبان مقصد برای ترجمه جناس‌های موجود بهره جسته‌اند. وی همچنین دریافت که روش دوم روش غالب ترجمه جناس در این اثر ادبی بوده است. کافزوی (۲۰۱۳) معتقد است که مترجمان برای ترجمه جناس به مشکل زیادی برخورد خواهند کرد؛ زیرا باید زبان مبدأ را کامل درک کنند و تلاش بی‌وقفه‌ای برای یافتن واژه مناسب در زبان هدف داشته

باشند. وی همچنین درک کامل مقصود جناس در زبان مبدأ و انتقال بی‌کم و کاست آن به زبان مقصد همراه با ایجاد تأثیر یکسان بر خواننده زبان مقصد را بهترین روش برای ترجمه جناس می‌داند.

پرز (۲۰۰۸) پژوهشگر دیگری است که به بررسی ترجمه جناس در عناوین فیلم‌ها به زبان اسپانیایی می‌پردازد. پرز در بررسی خود دریافت که جناس در عنوان فیلم‌ها عملکردی دوگانه دارد؛ اول این که جناس می‌تواند به عنوان ابزاری برای جلب توجه بیشتر تماشاکننده به کار رود و دوم این که جناس این قابلیت را دارد که دو معنای متفاوت را در تنها یک بخش از متن ارائه کند. وی نیز به سختی ترجمه جناس اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که مترجمان از روش‌های مختلفی برای ترجمه عناوین فیلم‌ها بهره جسته‌اند. این روش‌ها طیفی از روش‌های ترجمه را شامل می‌شوند که در یک سوی آن ترجمه موازی جناس در زبان اسپانیایی و ایجاد تأثیر یکسان بر خواننده زبان مقصد و در سویی دیگر حذف کامل جناس و تفاوت معنایی موجود در متن مبدأ وجود دارد.

جناس‌های موجود در مجموعه کارتون‌های سیمپسون و روش‌های ترجمه آن‌ها به زبان فنلاندی موضوع مورد مطالعه کرهونن (۲۰۰۸) بوده است. وی در مطالعه خود دریافت که روش‌های متفاوتی همچون ترجمه جناس در زبان مبدأ به جناس در زبان مقصد با ساختار، معنا و واژگان متفاوت، حذف جناس در زبان مقصد، ترجمه جناس موجود به یک آرایه ادبی مرتبط همانند واج‌آرایی و ترجمه جناس با حفظ صورت‌بندی آن، برای ترجمه جناس‌های موجود در این مجموعه به کار گرفته شده است. در بین روش‌های به کار رفته، خلق جناس جدید در متن مقصد بدون این که جناس در متن اولیه وجود داشته باشد، دیده نمی‌شد.

پرز (۲۰۱۴) در یکی دیگر از مقاله‌های خود ترجمه جناس را از دید نظریه ارتباط بررسی می‌کند. از آنجایی که در این نظریه، ارتباط بین ترجمه و متن مبدأ بر اساس شباهت تفسیری و نه هم‌ارزی است، مترجم تلاش می‌کند که با استفاده از روش‌های مختلف، تأثیر شناختی متن مبدأ را با کمترین تأثیر پردازش ممکن بر روی مخاطب

هدف بازآفرینی کند و به ارتباط بهتری دست یابد (پرز، ۲۰۱۴). پرز در پژوهش خود، ۱۹۰ عنوان فیلم آمریکایی و اسپانیایی را که دارای عنصر جناس بودند و ترجمه آنها را برای بازار جهانی مورد مطالعه قرار داد. نتایج پژوهش وی نشان داد که در بخشی از این عناوین انتخاب روش ترجمه به زبان مبدأ و مقصد بستگی دارد که در آن مترجمان تلاش کرده بودند که از لحاظ زبانی و معنایی جناسی معادل جناس عنوان مبدأ به وجود بیاورند. پرز (۲۰۱۴) همچنین دریافت که در بقیه موارد، مترجمان تلاش کرده بودند که به عنوانی با ارتباط بیشتر هم در محتوا و هم در تأثیر دست پیدا کنند.

پژوهش‌های مشابهی در خصوص ترجمه جناس و روش‌های ترجمه آن در آثار بزرگان ادبی هم‌چون شکسپیر، سعدی و حافظ نیز انجام شده است. برای مثال، بلومنتال (۲۰۱۳) در پایان‌نامه خود به بررسی ترجمه‌های متفاوت جناس در دو نمایش‌نامه شاه لیر و تاجر ونیزی از شکسپیر به زبان عبری می‌پردازد. وی در بررسی‌های خود متوجه شد که مترجمان در ترجمه‌های خود روش‌های متفاوتی برای این امر اتخاذ کرده‌اند. برخی از جناس‌ها در ترجمه به کل حذف شده بودند و برخی دیگر به خوبی ترجمه شده بودند اما دیگر خالی از عنصر طنز بودند. بلومنتال از سویی دیگر متوجه شد که بسیاری از مترجمان این دو اثر معتقد بودند که با استفاده بیشتر از اقتباس تا ترجمه، متن را بهتر ترجمه کرده‌اند. این مترجمان به خوبی مخاطب خود را می‌شناختند و به همین خاطر، ترجمه آنها هرچند که خنده‌دار نیست اما قابل توجیه است.

دل‌باستیتا (۱۹۹۷) پژوهشگر دیگری است که به بررسی ترجمه جناس در یکی دیگر از آثار شکسپیر به نام درد بیهوده عشق می‌پردازد و معتقد است که ترجمه جناس از زبان انگلیسی به زبان فرانسوی چالش بزرگی برای مترجم است. دل‌باستیتا (۱۹۹۷) ترجمه‌های متفاوتی از این اثر را با هم مقایسه می‌کند و درمی‌یابد که مترجمان روش‌های مختلفی به کار برده‌اند. این روش‌ها شامل تقلید تکنیک شکسپیر، خلق جناس جدید، اکتفا کردن به معنای سطحی جناس، اکتفا کردن به معنای عمقی و



در نهایت، استفاده هم‌زمان از هر دو معنای سطحی و عمقی می‌شود. این پژوهشگر معتقد است که در روش‌های اول و سوم جناس به طور کل از بین می‌رود و اثری از آن در متن ترجمه باقی نمی‌ماند. از سویی دیگر، دلاباستیتا (۱۹۹۷) معتقد است که مترجمان باید با استفاده از روش‌ها و منابع موجود جناس را ترجمه کنند و نمی‌توانند بدون هیچ ارجاعی به متن اصلی و با آزادی تمام به امر ترجمه جناس پردازند.

گلستان سعدی و جناس‌های موجود در آن و روش‌های ترجمه آن‌ها موضوع مورد مطالعه دو پژوهشگر ایرانی بوده است. اولیایی‌نیا و اردودری (۱۳۸۶) ترجمه چند مترجم انگلیسی را از جناس‌های موجود در گلستان سعدی بررسی کرده‌اند. آن‌ها معتقدند که راه حل قطعی و مشخصی برای ترجمه جناس وجود ندارد ولی گاهی اوقات برخی از روش‌ها به‌کار می‌آیند. به عبارتی دیگر، این پژوهشگران معتقدند که با وجود روش‌های متفاوت برای ترجمه جناس، گاهی اوقات جناس در این اثر ترجمه‌پذیر نیست.

دیویس (۲۰۰۴) به بررسی ترجمه‌پذیری اشعار حافظ پرداخته است و معتقد است که حافظ از آن دسته شاعرانی است که هویت ملت خود را در اشعار خود بازتاب داده است؛ به‌علاوه، این شاعر روح شاعرانه خویش را به بهترین شکل ممکن در اشعار خود نمایان ساخته است و به همین دلیل، شعر او در برابر ترجمه مقاومت می‌کند. از سویی دیگر، این پژوهشگر جناس‌های موجود در اشعار حافظ را نیز مورد بررسی قرار داده است و به این نتیجه دست یافته که جناس‌های اشعار حافظ به‌ندرت ترجمه‌پذیرند؛ زیرا که بازآفرینی الگوی آن در زبان انگلیسی بسیار دشوار است.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

#### ۳.۱. بیان مسئله

با توجه به پژوهش‌های ذکر شده، جناس و روش‌های ترجمه آن در ابعاد و آثار ادبی مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است؛ اما به‌نظر می‌رسد که فعالان توجه کافی به دو حوزه ترجمه و لطیفه‌های جناس به‌عنوان زیرشاخه‌ای از طنز در کنار یکدیگر

نداشته‌اند (زابایسکوا، ۲۰۰۵). پوپا (۲۰۰۵) نیز حوزه طنز را از حوزه‌هایی می‌داند که به علت ساختار جادویی‌اش اجازه واکاوی بیشتر را به پژوهشگران نداده است. لاریان (۱۹۹۲) نیز بر این باور است که طنز، به خصوص از دیدگاه ترجمه، به خوبی مورد مطالعه قرار نگرفته است. به همین سبب، پژوهش حاضر می‌کوشد با بررسی طنز و به خصوص لطیفه‌های دارای جناس و میزان فهم زبان‌آموزان از این لطیفه‌ها به درک بهتری از دو حوزه ترجمه و لطیفه برسد.

البته این پژوهش بر مرحله‌ای قبل از ترجمه لطیفه‌های جناس متمرکز است. زبان‌آموزان قبل از این که بتوانند ترجمه موفق‌تری ارائه دهند باید به فهم درست و کاملی از مفاهیم واژه دارای جناس برسند. در واقع، بدون داشتن درک درست از این گونه واژه‌ها زبان‌آموزان نمی‌توانند به عنصر طنز لطیفه پی و از آن لذت ببرند و ترجمه درستی ارائه دهند. بنابراین، این پژوهش بر آن است که گام ابتدایی برای ترجمه و هم چنین لذت بردن از لطیفه‌ها یعنی میزان فهم زبان‌آموزان را از چنین لطیفه‌هایی مورد بررسی قرار دهد؛ زیرا لازمه رسیدن به تاثیرات مثبت استفاده از طنز جناس این است که زبان‌آموزان به فهم کاملی از مفهوم لطیفه‌ها برسند (کیلگور، ۱۹۹۴).

از سوی دیگر، بعضی از پژوهشگران به این موضوع اشاره کرده‌اند که زبان انگلیسی تعداد زیادی لطیفه جناس دارد. برای مثال، لمز (۲۰۱۳) به جریان‌های متنوعی اشاره می‌کند که باعث تبدیل شدن زبان انگلیسی به منبع غنی از جناس‌ها شده است. از طرفی دیگر، زبان فارسی نیز با داشتن تک‌هجاهای فراوان تعداد زیادی جناس دارد (نیومارک، ۱۹۸۸، به نقل از محمدی سالاری و همکاران، ۲۰۱۴). به همین دلیل، مطالعه جناس در هر دو زبان انگلیسی و فارسی به واسطه داشتن جناس زیاد می‌تواند هم جالب و هم مهم باشد (محمدی سالاری و همکاران، ۲۰۱۴). اما به نظر می‌رسد پژوهش‌های زیادی در ایران هم در این حوزه و هم در حوزه ترجمه جناس‌ها انجام نشده است. بنابراین، این مطالعه تلاش می‌کند تا کمی به این موضوع بپردازد.

### ۲.۳. شرکت‌کنندگان

کلاسی که در آن بیست‌ویک دانشجوی سال سومی مقطع کارشناسی زبان انگلیسی حضور داشتند برای این پژوهش انتخاب شد. تمامی این شرکت‌کنندگان دانشجویان نوزده تا بیست‌وچهار ساله بودند که در بین آن‌ها، پنج دانشجوی آقا و شانزده دانشجوی خانم بودند. همچنین، از بین شرکت‌کنندگان، دوازده نفر دانشجویان رشته مترجمی زبان انگلیسی و مابقی دانشجویان ادبیات انگلیسی بودند.

### ۳.۳. آزمون

در این پژوهش، آزمونی با دوازده لطیفه که در سطح متوسط بودند مورد استفاده قرار گرفت. زبان مبدأ تمامی لطیفه‌ها زبان انگلیسی است. هر لطیفه، شامل یک جناس بود. در واقع، بار طنز هر لطیفه بر دوش واژه‌ای بود که عنصر جناس داشت. زیر جمله‌ای که جناس داشت خط کشیده شده بود و از شرکت‌کنندگان خواسته شده بود که پس از خواندن کل لطیفه، تنها آن جمله را ترجمه کنند. شرکت‌کنندگان پس از ترجمه باید به این پرسش پاسخ می‌دادند: «چرا این لطیفه خنده‌دار است؟» هدف از این پرسش پی بردن به میزان فهم زبان‌آموزان از هر لطیفه بود.

جناس‌های مورد استفاده در این پژوهش بر اساس تقسیم‌بندی لمز (۲۰۱۳) بر دو نوع بودند. تمامی لطیفه‌ها به جز لطیفه‌های شماره دو و چهار از نوع جناس‌های دارای شکل مشابه بودند. در واقع، این جناس‌ها دارای دو معنای متفاوت با املا و تلفظ یکسان هستند. لطیفه‌های شماره دو و چهار از نوع جناس‌های دارای صدای مشابه بودند که در آن دو واژه با املا و معنای متفاوت دارای تلفظ یکسان هستند. البته این تقسیم‌بندی در این پژوهش زیاد حائز اهمیت نیست؛ زیرا هدف اصلی این مقاله پی بردن به میزان فهم زبان‌آموزان از لطیفه‌های دارای جناس است. به همین دلیل، توازن مناسبی بین انواع جناس‌ها دیده نمی‌شود.

### ۳. ۴. روش پژوهش

در ابتدا، کلاسی با بیست و یک دانشجوی سال سومی مقطع کارشناسی برای شرکت در این آزمون انتخاب شد. در هر لطفه این آزمون، زیر جمله‌ای که شامل جناس بود خط کشیده شده بود و از شرکت‌کنندگان خواسته شده بود که پس از خواندن کل لطفه، تنها آن جمله را ترجمه کنند. در حین دادن پاسخ، شرکت‌کنندگان می‌توانستند از واژه‌نامه نیز استفاده کنند. با این کار، احتمال عدم پاسخ‌گویی به واسطه ناآشنایی با معنای واژگان دارای جناس از بین می‌رفت. در نهایت، شرکت‌کنندگان موظف بودند با پاسخ به پرسش «چرا این لطفه خنده‌دار است؟» دلیل خنده‌دار بودن هر لطفه را نیز بیان کنند. هدف از پاسخ به این پرسش این بود که تا چه اندازه شرکت‌کنندگان مفهوم هر لطفه و دلیل خنده‌دار بودن آن را دریافته‌اند. معیار پاسخ درست، فهم درست شرکت‌کنندگان از لطفه‌ها با استناد به پاسخ آن‌ها به این پرسش بود.

در نهایت، پاسخ هر شرکت‌کننده به هر لطفه بررسی و میزان پاسخ‌های درست با استفاده از یک نمودار نشان داده شد. تعدادی از دلایل اراده شده توسط شرکت‌کنندگان نیز بررسی شد تا علت عدم موفقیت آن‌ها در فهم لطفه‌ها مشخص گردد.

### ۴. نتایج

بررسی نتیجه ترجمه‌ها و دلایل ارائه‌شده توسط شرکت‌کنندگان نشان داد که برخی از آن‌ها در ترجمه برخی از لطفه‌ها مشکل داشتند و نتوانسته بودند به خوبی دلیل خنده‌دار بودن آن‌ها را دریابند. برخی دیگر نتوانسته بودند لطفه را به درستی ترجمه کنند ولی مشکل اینجا بود که یا لطفه را اصلاً خنده‌دار نمی‌دانستند یا دلیلی که ارائه کرده بودند اشتباه بود. به عبارت دیگر، اصلاً متوجه واژه دارای جناس نشده بودند. در این بین، تعدادی شرکت‌کننده نیز وجود داشتند که به درستی متوجه مفهوم لطفه‌ها شده بودند.

### دسته‌بندی لطیفه‌ها بر اساس سطح دشواری درک

پاسخ به برخی از لطیفه‌ها برای شرکت‌کنندگان بسیار دشوار بود. اولین لطیفه، لطیفه شماره ۸ است.

8. A: Why can't you trust an atom?

B: They make up everything.

این لطیفه کمترین میزان پاسخ‌گویی را در میان شرکت‌کنندگان داشته است. در این لطیفه، فعل **make up** که دارای جناس است که در ابتدا معنایی همانند «تشکیل دادن» را به ذهن می‌آورد ولی در ادامه «دست داشتن در هر چیز» را در ذهن تداعی می‌کند. در این لطیفه پرسیده شده است «چرا نمی‌توانی به اتم‌ها اعتماد کنی؟» و در پاسخ گفته شده است که «زیرا آن‌ها همه چیز را تشکیل می‌دهند» و معنای ثانوی که به ذهن می‌آید: «زیرا آن‌ها در همه چیز دست دارند». ۸۶ درصد شرکت‌کنندگان نتوانسته بودند به معنای دوم این فعل پی ببرند و اکثراً به معنای اول اشاره کرده بودند. به همین خاطر، این لطیفه را جالب نمی‌دانستند.

لطیفه شماره ۴ در رتبه دوم قرار می‌گیرد.

4. A: Why did the scarecrow keep getting promoted?

B: Because he was outstanding in his field.

تنها ۳۳ درصد (۷ شرکت‌کننده) مفهوم این لطیفه را متوجه شده بودند. **outstanding** واژه‌ای بود که در این لطیفه بار طنز را به دوش داشت. این واژه، هم به معنای «برجسته بودن» و هم به معنای «بیرون ایستادن، out standing» بود که بسیاری از شرکت‌کنندگان نتوانسته بودند متوجه هر دو مفهوم بشوند. در این لطیفه پرسیده می‌شود «چرا مترسک مدام در کارش ترقی می‌کند؟» و پاسخ داده می‌شود «چون او در کارش برجسته (ایستاده) بود».

لطیفه شماره ۱۰ نیز پاسخ کمی از جانب شرکت‌کنندگان داشت.

10. A: What kind of bird works at a construction site?

B: The crane!

در این لطیفه پرسیده شده بود که «چه نوع پرنده‌ای را می‌توان در محل ساخت و ساز پیدا کرد؟» و پاسخی که داده می‌شود «درنا» است. البته واژه **crane** در زبان

انگلیسی به معنای «جرثقیل» هم هست. به غیر از ۸ شرکت کننده‌ای که متوجه هر دو معنای این واژه شده بودند، بقیه شرکت کنندگان یعنی ۶۲ درصد نتوانسته بودند به معنای ثانوی این واژه پی ببرند و در نتیجه لطفه برای آن‌ها جالب نبود. مفهوم لطفه شماره ۲ را تنها ۱۰ نفر متوجه شده بودند.

2. A: Why can't a bicycle stand up?

B: Because it's too tired.

لطفه شماره ۲ می پرسد «چرا یک دوچرخه نمی تواند بایستد؟» و پاسخی که داده می شود این است «زیرا بسیار خسته است». *too tired* هم آوا با *two-tired* است که به معنای «داشتن دو چرخ» است. پس دوچرخه‌ای که بسیار خسته است یا دو چرخ دارد نمی تواند بایستد. در اینجا، ۵۲ درصد شرکت کنندگان (۱۱ نفر) متوجه این هم آوایی نشده بودند.

لطفه شماره ۹ را نیز ۱۰ نفر تنها پاسخ داده بوده بودند.

9. A: Why was the baseball game so hot?

B: Because all the fans left!

در این لطفه، بار طنز بر دوش واژه *fan* بود که هم به معنای «پنکه» و هم به معنای «تماشاچی» است. در پاسخ «چرا بازی بیسبال داغ شده بود؟» گفته شده «چون تمامی تماشاچی‌ها و یا پنکه‌ها آن‌جا را ترک کردند» که مجدداً ۵۲ درصد از شرکت کنندگان متوجه هر دو معنا نشده بودند.

برخی از لطفه‌ها بیشترین میزان پاسخ را از جانب شرکت کنندگان داشتند. به عبارتی دیگر، این لطفه‌ها دشواری خاصی برای شرکت کنندگان نداشتند و فهم آن‌ها تقریباً ساده بود. برای مثال، ۸۵ درصد (۱۸ نفر) لطفه شماره ۶ را به درستی متوجه شده بودند.

6. A: Why don't honest people need beds?

B: They don't lie.

در این لطفه پرسیده شده «چرا مردم راستگو به تخت خواب نیازی ندارند؟» و در جواب گفته شده «چون آن‌ها دروغ نمی گویند (دراز نمی کشند)». با توجه به میزان

بالای پاسخ‌گویی به این لطیفه، به‌نظر می‌رسد هر دو معنای فعل lie برای شرکت‌کنندگان آشنا بوده است.

شرکت‌کنندگان نسبتاً زیادی به لطیفه‌های شماره ۳ و ۷ پاسخ داده بودند. در لطیفه شماره ۳ پرسیده شده «از کجا می‌فهمی که یک ماه به اندازه کافی غذا خورده است؟» و در پاسخ گفته شده «زمانی که سیر است» و مفهوم دیگری که در ذهن تداعی می‌کند، این است: «زمانی که ماه کامل است». به‌نظر می‌رسد هر دو مفهوم برای ۷۶ درصد از شرکت‌کنندگان (۱۶ نفر) آشنا بود.

3. A: How do you know when a moon has enough to eat?

B: When it's full.

لطیفه شماره ۷ نیز گفته بود «ما خیلی فقیر بودیم تا جایی که استطاعت پرداخت توجه را نداشتیم». ۷۶ درصد از شرکت‌کنندگان (۱۶ نفر) متوجه شده بودند که واژه‌های afford و pay جنبه مالی دارند و علاوه بر آن متوجه شده بودند که pay attention به معنای «توجه کردن» است.

7. We were so poor when I was growing up we couldn't even afford to pay attention.

هفتاد و یک درصد (۱۵ نفر) به لطیفه شماره ۱۱ پاسخ درست داده بودند. آن‌ها متوجه شده بودند که واژه palm هم به معنای «کف دست» و هم به معنای «درخت نخل» است. در این لطیفه پرسیده می‌شود «چه نوع درختی را می‌توانی در دست خود حمل کنی؟» و پاسخ داده می‌شود: «کف دست (نخل)».

11. A: What kind of tree can you carry in your hand?

B: A palm!

همچنین ۷۱ درصد (۱۵ شرکت‌کننده) هر دو مفهوم واژه bud (رفیق و غنچه) را متوجه شده بودند. در این لطیفه، پرسیده می‌شود «گل به گل دیگر چه می‌گوید؟» و در پاسخ داده می‌شود «هی رفیق (غنچه)».

12. A: What did the flower say to the other flower?

B: Hey, bud!

شصت و شش درصد پاسخ‌دهندگان (۱۴ نفر) نیز لطیفه شماره ۱ را به خوبی تحلیل کرده بودند. pretty هم به معنای «زیبا» و هم به معنای «نسبتاً» است. در این

لطیفه مری به پیتتر می گوید: «جان می گوید من زیبا هستم. اندی می گوید که من زشتم. تو چه فکر می کنی پیتتر؟» و پیتتر در پاسخ می گوید: «من فکر می کنم که تو خیلی زشتی».

1. Mary: John says I'm pretty. Andy says I'm ugly. What do you think, Peter?

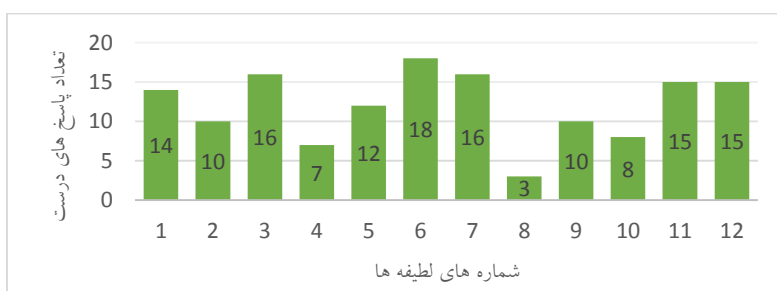
Peter: I think you're pretty ugly.

پنجاه و هفت درصد (۱۲ شرکت کننده) لطیفه شماره ۵ را به خوبی دریافته بودند. در این لطیفه، spot در نقش فعلی خود به معنای «دیده شدن» و در نقش اسمی خود به معنای «خال خالی» است که با خواندن لطیفه هر دو معنا در ذهن نقش می بندد. در این لطیفه پرسیده می شود «چرا یک پلنگ نمی تواند مخفی شود؟» و پاسخ داده می شود «زیرا همیشه خال خالی است (دیده می شود)».

5. A: Why can't a leopard hide?

B: Because he's always spotted.

در نمودار زیر، میزان ارائه پاسخ درست برای هر لطیفه نشان داده شده است.



نمودار ۱. تعداد پاسخ های درست برای هر لطیفه

در اینجا به برخی از ترجمه های اشتباه و دلایل ارائه شده (در پرانتز) توسط شرکت کنندگان اشاره شده است.

لطیفه شماره ۸ (they make up everything) که کمترین میزان پاسخ گویی

صحیح را داشت اکثراً این گونه ترجمه شده بود:

۱. چون آنها همه چیز را تشکیل می دهند یا می سازند.

دلیلی که اکثر آنها ارائه کرده بودند: چون اتم ها همه جا هستند.



لطیفه شماره ۴ (because he was outstanding in his field) نیز پاسخ کمی به دنبال داشت. شرکت‌کنندگان این لطیفه را این‌گونه ترجمه کرده بودند

۱. زیرا توی زمین خیلی برجسته بود (دلیل خنده‌دار بودن: مترسک مثل آدم معروف فرض شده).

۲. چون در مزرعه‌اش خیلی برجسته بود (خنده‌دار نیست).

۳. چون همیشه سرکارش بوده (چون مترسک همیشه ایستاده است).

۴. چون او در کارش خیلی ماهر بود (اصلاً خنده‌دار نیست).

۵. چون در مزرعه‌اش خیلی خوب بوده (خنده‌دار نیست).

۶. به‌خاطر این‌که در شغلش فوق‌العاده بود (چون promote به‌معنای شغلی در نظر گرفته شده).

۷. چون در کار میدانی خیلی خوب عمل می‌کرد (به‌دلیل کار میدانی و زمین کشاورزی).

۸. چون توی قلمروش شیر است (بدون ذکر دلیل).

به ترجمه‌های لطیفه ۱۰ (the crane) نیز توجه کنید:

۱. مرغ ماهی‌خوار (نکته لطیفه را نمی‌فهمم).

۲. مرغ ماهی‌خوار (چون گردنش دراز است).

۳. ماهی‌خوار (خنده‌دار نیست).

۴. جرتقیل (خنده‌دار نبود).

ترجمه‌های لطیفه شماره ۲ (because it's too tired) نیز ارائه شده است:

۱. چون خیلی خسته است (چون به جسم بی‌جان جان داده است).

۲. چون‌که خیلی خسته است (اصلاً خنده‌دار نیست).

۳. برای این‌که خسته است (خب چه ربطی داره!).

۴. چون خسته است (چون جان‌بخشی داشته است).

۵. به خاطر این‌که خیلی خسته است (خنده‌دار نیست! مسخره است).

۶. به خاطر این که خیلی خسته است (اصلاً خنده دار نیست چون جواب داده شده با سؤال پرسیده شده سنخیت ندارد).

برای لطیفه شماره ۹ (because all the fans left) نیز ترجمه های نادرستی ارائه شده بود:

۱. چون بازیکنان ترک کردند (لطیفه از نظر من مضحک نیست).

۲. چون هیچی تماشاچی ندارد (تماشاچی ها از ترس برخورد توپ بیسبال فرار می کنند).

۳. چون همه طرفدارها رفتند (همه از ترس توپ فرار می کنند).

۴. چون همه طرفداران در طرف چپ هستند (اصلاً خنده دار نیست).

۵. چون همه طرفداران رفتند (خنده دار نیست).

۶. چون تمام پنکه ها خاموش شدند (خنده دار نبود).

به عنوان آخرین نمونه، ترجمه های لطیفه شماره ۵ (because he's always spotted) نیز ارائه شده است:

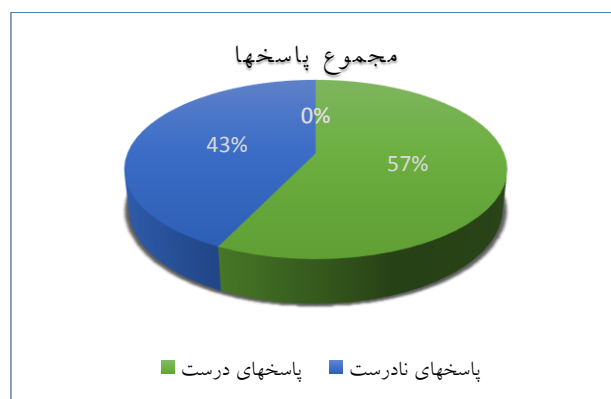
۱. چون همیشه خال خالی است (چون به یک نکته خیلی ظریف اشاره کرده است).

۲. چون خال خالی است (خنده دار نیست).

۳. چون همیشه خال دار است (با یک دلیل منطقی یک جواب خیلی بی مزه داده که خنده دار نیست).

از نتایج این گونه بر می آید که شرکت کنندگان در جایی که توانسته بودند واژه دارای جناس را تشخیص بدهند و با هر دو معنای واژه دارای جناس آشنا بودند توانسته بودند لطیفه را به درستی متوجه شوند و پاسخ درستی به پرسش ذکر شده در ادامه لطیفه بدهند؛ ولی همان گونه که این نمونه ها نیز به خوبی نشان می دهند در جایی که متوجه جناس نشده بودند و تنها به یک معنای جناس تکیه کرده بودند نتوانسته بودند به فهم درستی از لطیفه برسند. در برخی از موارد هم واژه دارای

جناس برای شرکت‌کننده کاملاً ناآشنا بود. در نتیجه، فهم کامل لطیفه به تشخیص جناس و آشنایی شرکت‌کننده با هر دو معنای واژه جناس بستگی داشت. نمودار زیر، عملکرد کلی شرکت‌کنندگان را نشان می‌دهد.



نمودار ۲. مجموع پاسخها

مجموع پاسخها: ۲۵۲

مجموع پاسخهای درست جناس‌ها: ۱۴۴

مجموع پاسخهای نادرست جناس‌ها: ۱۰۸

##### ۵. بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که نتایج نشان داد بسیاری از شرکت‌کنندگان در ترجمه واژه‌های دارای جناس مشکل داشتند. خیساموا (۲۰۱۲) معتقد است که تخیل قوی مترجم بر داشتن یک ترجمه موفق تأثیر دارد. گیورگادز (۲۰۱۶) لازمه یک ترجمه موفق را شناسایی واژه‌هایی می‌داند که در شکل و آوا به هم شباهت دارند ولی در معنا متفاوتند. کرن (۲۰۱۰) نیز معتقد است اولین گام در داشتن ترجمه موفق جناس شناسایی جناس موجود است. پس از آن یک مترجم باید بتواند جناس را در ارتباط با متن بررسی کند و ارتباط آن را با متن بسنجد. وی معتقد است مترجم بر اساس شناسایی اولیه و ارزیابی ثانویه می‌تواند ترجمه موفق از جناس ارائه دهد.

علاوه بر توانایی‌های ذکر شده، کرن (۲۰۱۰) توانایی‌های دیگری را نیز برای ترجمه موفق جناس لازم می‌داند. وی معتقد است که مترجم باید تسلط کافی هم به زبان مبدأ و هم به زبان مقصد داشته باشد تا بتواند تمام ویژگی‌های جناس را از زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل کند. مترجمان باید دانش وسیعی از واژه‌ها، اصطلاحات و تمامی معانی آن‌ها داشته باشند تا در زمان ترجمه تمامی معانی به ذهنشان خطور کند و بتوانند مناسب‌ترین آن‌ها را برای ترجمه انتخاب کنند. او همچنین معتقد است که مترجم هم‌زمان با موارد ذکر شده در بالا باید به بافت متن و چگونگی انتقال جناس به زبان مقصد با حفظ تأثیر توجه کند. وی توجه به لهجه و عبارات عامیانه را نیز الزامی می‌داند. لمز (۲۰۱۳) نیز لازمه ترجمه موفق جناس را شناسایی معانی مختلف آن و مقایسه آن‌ها در بافت متن برای انتخاب مناسب‌ترین آن‌ها می‌داند. در این هنگام است که هر دو معنا با هم در ذهن نقش می‌بندد و باعث خنده می‌شود.

این پژوهش نشان داد که شرکت‌کنندگان دانش خوبی از واژه‌های دارای جناس نداشتند و برخی از آن‌ها در شناخت واژه‌های دارای جناس ناموفق عمل کرده بودند. در واقع، شرکت‌کنندگان در شناسایی اولیه‌ای که کرن (۲۰۱۰) لازمه مراحل بعدی ترجمه جناس می‌داند ناموفق بودند. این موضوع می‌تواند به واسطه عدم توجه کافی به تدریس جناس در دروس دانشگاهی باشد. به عبارتی دیگر، در دروس دانشگاهی واحدی وجود ندارد که به‌طور اختصاصی به جناس و افزایش دانش دانشجویان درباره معانی آن‌ها بپردازد. از سویی دیگر، نظری (۱۳۹۵) بر این باور است که برای داشتن یک ارتباط زبانی موفق، گوینده یا نویسنده باید پیام خود را به گونه‌ای ارسال کند که برای مخاطب قابل فهم باشد. در این مسیر، نظری عواملی هم‌چون عوامل واژگانی یا زبانی مانند جناس را در تداعی کردن هم‌زمان چند معنا و کند کردن روند درک متن در مخاطب مؤثر می‌داند. نوروززاده (۲۰۱۳) درک و ترجمه متونی را که از پیچیدگی‌های متنی هم‌چون جناس برخوردار است بسیار مشکل و چالشی بزرگ برای مترجمان بر می‌شمرد. به همین دلیل، پژوهشگرانی مانند لمز (۲۰۱۳)

راهکارهایی برای ادغام تدریس جناس در دروس دانشگاهی و حتی دروس مدارس ارائه داده‌اند تا مشکلات ایجاد شده تا حدودی برطرف شود.

علاوه بر برطرف کردن مشکلات زبان‌آموزان در شناسایی و ارائه یک ترجمه قابل قبول، ادغام جناس در تدریس فواید دیگری نیز دارد. گیورگادز (۲۰۱۶) معتقد است جناس و طنز به واسطه دانشی که از فرهنگ، ساختار و عقاید اجتماعی، ساختار زبان و ... به زبان‌آموزان می‌دهند جالب و جذاب هستند. لمز (۲۰۱۳) نتیجه این ادغام را ایجاد فضایی راحت و محرک برای یادگیری بهتر زبان‌آموزان می‌داند. در چنین فضایی، زبان‌آموزان فرصت بهتری برای یادگیری واژگان بیشتر و افزایش دایره واژگان و اصطلاحات خود خواهند داشت. او معتقد است که پس از این که زبان‌آموزان به درک مناسبی از جناس رسیدند مدرسان می‌توانند از طریق آن به افزایش دانش واژگانی زبان‌آموزان کمک کنند و برای چند دقیقه فضای کلاس را شاد و لذت‌بخش کنند و زبان‌آموزان را به خنده وادارند.

برای ادغام تدریس جناس در دروس دانشگاهی، ابتدا لمز (۲۰۱۳) از مدرسان می‌خواهد که تعدادی جناس را جمع‌آوری کنند به گونه‌ای که برای هر نوع چند مثال وجود داشته باشد؛ سپس از آن‌ها برای تمرین در کلاس استفاده کنند. گام بعدی پس از آشنایی اولیه زبان‌آموزان و دانشجویان با جناس این است که مدرسان باید از دانش‌آموزان و دانشجویان خود بخواهند تعداد بیشتری جناس خود پیدا کنند؛ در واقع، آن‌ها باید دنبال واژه‌هایی با دو معنا بگردند. حتی می‌توان خود زبان‌آموزان را نیز تشویق به خلق جناس به کمک ذهن خودشان کرد. به گفته وی، منابعی هم‌چون کتاب‌های لطیفه و پایگاه‌های اینترنتی مرتبط می‌توانند برای فهم بهتر زبان‌آموزان به کار گرفته شوند.

با توجه به ضعف زبان‌آموزان در فهم لطیفه‌های جناس که می‌تواند یکی از ابزارهای افزایش دانش واژگان و فضای شاد آموزشی باشد، می‌توان انتظار داشت که هر مدرس به کمک راهنمایی‌های ارائه شده در پژوهش‌های مربوطه این ضعف را در فضای آموزشی خود برطرف کند. حتی با اتخاذ تصمیمات لازم در مقیاس وسیع

می‌توان انتظار داشت که تدریس جناس در برنامه آموزشی زبان انگلیسی در ایران رسمی شود و زبان‌آموزان از منافع آن برای افزایش دانش واژگان خود و افزایش نشاط فضای آموزشی بهره ببرند. البته با توجه به تعداد کم پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه نمی‌توان درک کاملی از تمامی مشکلات موجود در این زمینه و راه‌حل‌های مناسب آن داشت. امید می‌رود با انجام پژوهش‌های بیشتر در این زمینه کاستی‌های موجود از بین برود.

#### کتابنامه

۱. اولیایی‌نیا، ه.، و اردودری، م. (۱۳۸۶). بررسی جناس در ترجمه‌های انگلیسی گلستان سعدی. *مطالعات ترجمه*، ۵(۱۸)، ۹-۲۹.
۲. جعفری‌تبار، ح. (۱۳۸۹). جنس رود سوی جنس «گفتاری در جناس». *پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب*، ۱۰، ۴۲۲-۴۴۲.
۳. غضنفری، م. (۱۳۹۰). در ترجمه‌پذیری یا ترجمه‌ناپذیری گفتمان طنز. *مطالعات ترجمه*، ۹(۳۴)، ۵۵-۶۸.
۴. نظری، ی. (۱۳۹۵). وجوه ابهام یا ابهام نحوی در زبان عربی و تأثیر آن بر ترجمه قرآن کریم. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ابیات عربی*، ۶(۱۵)، ۵۹-۸۳.
5. Andrzejak, K. (2012). *On the translatability of puns*. Retrieved from <https://www.academia.edu/9350674>.
6. Attardo, S. (2002). Translation and humor. *The Translator*, 8(2), 173-194.
7. Blumental, S. (2013). *'If you tickle us, do we not laugh?' Yiddish translations of puns and wordplay in King Lear and Merchant of Venice*. (Unpublished bachelor's thesis). University of Michigan, Michigan, United States.
8. Davies, Ch. (2005). European ethnic scripts and the translation and switching of jokes. *Humor*, 18(2), 147-160.
9. Davis, D. (2004). On not translating Hafez. *The New England Review*, 25(1&2), 62-73.
10. Delabastita, D. (1997). *Traductio essays on punning and translation*. London and New York: Routledge.
11. Dybala, P., Rzepka, R., Araki, K., & Sayama, K. (2012). *Japanese puns are not necessarily jokes*. Retrieved from <https://www.researchgate.net/publication/236634942>.
12. Giorgadze, M. (2016). Puns in one-liner jokes, based on Biblical stories. Retrieved from <http://www.etag.ge/journal>.

13. Khisamova, V. N. (2012). *Lexical peculiarities of translation humorous works from English authors into Russian and Tatar*. Retrieved from <http://dergiler.ankara.edu.tr/dergiler/27/1834/19282.pdf>.
14. Kilgore, M. (1994). Review: The language of jokes; Analyzing verbal play. *Language*, 70(2), 382-383.
15. Koren, A. (2010). *English puns in modern culture and the problems of their translation into Slovene*. Retrieved from <https://www.academia.edu/6723479>.
16. Korhonen, E. (2008). *Translation studies for wordplay in the Simpsons* (Unpublished master's thesis). University of Helsinki, Helsinki, Finland.
17. Kurnijatisc, C. (2009). *The translation analysis of pun in the film entitled MADAGASCAR* (Unpublished doctoral dissertation). Sebelas Maret University, Surakarta, Central Java, Indonesia.
18. Laurian, A. M. (1992). Possible/impossible translation of jokes. *Humor*, 5(1/2), 111-127.
19. Lems, K. (2013). Laughing all the way: Teaching English using puns. *English Teaching Forum*, 51(1), 26-33.
20. Marco, J. (2010). The translation of wordplay in literary texts. Typology, techniques and factors in a corpus of English-Catalan source text and target text segments. *Target*, 22(2), 264-297.
21. Mohammadisalari, Z., Behtaj, H., & Moinzade, S. N. (2014). A contrastive analysis of translation of puns in Alice Adventures in Wonderland. *International Journal of Language Learning and Applied Linguistics World*, 7(1), 44-55.
22. Natarina, A. (2012). The strategy of translating pun in English-Indonesian subtitles of Austin Powers: Gold member. *Celt*, 12(2), 160-179.
23. Noruzzadeh, M. (2013). *Procedures used in translation of Mulla Nasrudin's jokes from Persian into English* (Unpublished master's thesis). Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.
24. Perez, J. D. (2008). Wordplay in film titles, translating English puns into Spanish. *Babel*, 54(1), 36-58.
25. Perez, J. D. (2014). Relevance theory and translation: Translating puns in Spanish film titles into English. *Journal of Pragmatics*, 70, 108-129.
26. Popa, D. E. (2005). Jokes and translation, perspectives. *Studies in Translatology*, 13(1), 48-57.
27. Ptaszynski, P. (2004). On the translatability of jokes, perspectives. *Studies in Translatology*, 12(3), 179-193.
28. Qafzezi, E. (2013). (Re)creating the power of language: A comparative analysis on pun translation in Alice's Adventures in Wonderland and its variants in Albanian. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, 2(4), 211-221.
29. Raphaelson-West, D. S. (1989). On the feasibility and strategies of translating humor. *Translators' Journal*, 34(1), 128-141.
30. Schmitz, J. B. (2002). Humor as a pedagogical tool in foreign language and translation courses. *Humor*, 15(1), 89-113.

31. Stelter, J. (2011). To pun or not to pun? A contrastive study of paronomastic jokes in English and German. *Language in Contrast*, 11(1), 23-39.
32. Zabalbeascoa, P. (2005). Humor and translation – An interdiscipline. *Humor*, 18(2), 185-207.



## Appendix

In the Name of God

Name ..... Age..... Gender:

Male  Female

Student of Literature  Teaching  Translation  MA  BA

There are 12 jokes here for you to translate. Please translate the **underlined** sentences carefully and answer the question which follows.

.....  
.....

1. Mary: John says I'm pretty. Andy says I'm ugly. What do you think, Peter?

Peter: I think you're pretty ugly.

..... ترجمه

چرا لطیفه خنده دار است؟

.....

2. A: Why can't a bicycle stand up?

B: Because it's too tired.

..... ترجمه

چرا لطیفه خنده دار است؟

.....

3. A: How do you know when a moon has enough to eat?

B: When it's full.

..... ترجمه

چرا لطیفه خنده دار است؟

.....

4. A: Why did the scarecrow keep getting promoted?

B: Because he was outstanding in his field.

..... ترجمه

چرا لطیفه خنده دار است؟

.....

5. A: Why can't a leopard hide?

B: Because he's always spotted!

..... ترجمه

چرا لطیفه خنده دار است؟

.....

6. A: Why don't honest people need beds?

B: They don't lie.

..... ترجمه

چرا لطیفه خنده دار است؟

.....

7. We were so poor when I was growing up we couldn't even afford to pay attention.

..... ترجمه

چرا لطیفه خنده دار است؟

.....

8. A: Why can't you trust an atom? B: They make up everything.

..... ترجمه

چرا لطیفه خنده دار است؟

.....

9. A: Why was the baseball game so hot?

B: Because all the fans left!

..... ترجمه

چرا لطیفه خنده دار است؟

.....

10. A: What kind of bird works at a construction site?

B: The crane!

..... ترجمه

چرا لطیفه خنده دار است؟

.....

11. A: What kind of tree can you carry in your hand?

B: A palm!

..... ترجمه

چرا لطیفه خنده دار است؟

.....

12. A: What did the flower say to the other flower?

B: Hey, bud!

..... ترجمه

چرا لطیفه خنده دار است؟

.....